

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 8, Autumn 2022, 155-171
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.36368.2241

A Survey of Attitudes Towards Arabic Language Course among Twelfth Grade Students of Humanities, Experimental Sciences, and Mathematical Sciences

Danesh Mohammadi Rakati^{*}, Yusef Nazari^{}**

Ali Nobahar^{*}, Zeinab Shojaei^{****}**

Abstract

Teaching Arabic language in schools encountered more challenges in comparison to other courses due to cultural and political reasons as well as the families and students' viewpoints about it. A survey of students' attitudes towards learning this language would be an effective step in policymaking and the compilation of textbooks in this regard. This study used the descriptive-survey method to analyze attitudes toward learning the Arabic language among twelfth-grade students of Kerman in the fields of literature and humanities, experimental sciences, and mathematical sciences. Moreover, this study investigated the attitude differences among the students in three fields of humanities, experimental and mathematical sciences, as well as attitude differences toward learning the Arabic language between the twelfth-grade girl and boy students of Kerman. The sample consisted of 337 girl and boy students studying in twelfth grade in Kerman. The results showed that the attitudes of most of the students

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran
(Corresponding Author), d.mohammadi64@shirazu.ac.ir

** Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran,
nazari.yusuf@shirazu.ac.ir

*** Graduated from Yazd University, Master's Degree in Arabic Language and Literature, Yazd, Iran,
hajalinobahar1@gmail.com

**** Graduated from Arabic Language and Literature, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan,
Iran, zeinabshojaei@gmail.com

Date received: 14/05/2022, Date of acceptance: 26/09/2022



in three fields of humanities, experimental sciences, and mathematical sciences towards three variables of interest in learning Arabic, the importance of Arabic course among other courses, and the content of Arabic course were negative; nevertheless, mathematics students showed more interest in learning Arabic in comparison to other students. Girl and boy students' attitudes did not show any significant differences.

Keywords: Arabic Course, Arabic Language Teaching, Attitude, Kerman Schools, Textbooks.

بررسی نگرش دانش‌آموزان شهر کرمان در پایه دوازدهم رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی، و ریاضی به درس عربی

دانش محمدی رکعتی*، یوسف نظری**

علی نوبهار***، زینب شجاعی****

چکیده

آموزش زبان عربی در مدارس به دلایل فرهنگی، سیاسی، و نوع نگاه خانواده‌ها و دانش‌آموزان از چند دهه پیش تاکنون، نسبت به سایر دروس، با چالش بیش‌تری مواجه بوده است. بررسی نگرش دانش‌آموزان به یادگیری این زبان گام مؤثری در سیاست‌گذاری و تألیف کتاب‌های آموزشی خواهد بود. در این پژوهش با روش توصیفی - پیمایشی به بررسی نگرش دانش‌آموزان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی کلاس دوازدهم شهر کرمان درخصوص یادگیری زبان عربی پرداخته شده است. در این بررسی تفاوت نگرش‌های دانش‌آموزان سه رشته انسانی، تجربی، و ریاضی و هم‌چنین تفاوت نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر به یادگیری زبان عربی بررسی شد. نمونه این پژوهش ۳۳۷ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر کلاس دوازدهم شهر کرمان‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نگرش بیش‌تر دانش‌آموزان سه رشته علوم انسانی، تجربی، و ریاضی در سه متغیر علاقه به یادگیری زبان عربی، اهمیت درس عربی در بین سایر دروس، و محتوای

* دانشیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

d.mohammadi64@shirazu.ac.ir

** دانشیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

nazari.yusuf@shirazu.ac.ir

*** کارشناس‌ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، hajalinobahar1@gmail.com

**** کارشناس‌ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان، zeinabshojaei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴



درس عربی منفی است. باوجوداین، دانش‌آموزان رشته ریاضی علاقه بیش‌تری به یادگیری زبان عربی، نسبت به دانش‌آموزان دیگر، دارند. از نظر تفاوت بین دانش‌آموزان دختر و پسر، تفاوت معناداری بین آرای دو گروه وجود نداشت.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان عربی، درس عربی، کتاب‌های درسی، مدارس کرمان، نگرش.

۱. مقدمه

نگرش یک حالت روانی اکتسابی است که در جامعه براساس تجارب، اعتقادات، و محیط فرهنگی فرد شکل می‌گیرد (الزبون ۲۰۰۹) و شامل باورها و احساسات انسان به یک مسئله است (Gomleksiz 2010, quoted from Latchanna and Dagnev 2009). آقااحمدی و مبشرنیا (2008) بر آن‌اند که «موضوع نگرش با مفهوم احساس خوب یا بد نسبت به یک شخص یا یک چیز همراه است. بنابراین، مفهوم نگرش با یک صفت مثبت یا منفی همراه می‌باشد». در حوزه آموزش، به دلیل تأثیر نگرش فرد در موفقیتش در فرایند یادگیری، این بحث مورد توجه بسیاری از پژوهش‌گران و متخصصان بوده است. اجزن (1988) بر آن است که ارتباط نزدیکی بین یادگیری و نگرش افراد وجود دارد (Gomleksiz 2010). از نظر الیس (1994)، نگرش منفی می‌تواند مانع یادگیری زبان شود. نگرش مثبت، هم‌چنین، از نظر کسب و دیگران (2010)، سبب افزایش انگیزه در فراگیران می‌شود (Gomleksiz 2010). پژوهشی که معروف (2010) درباره رابطه بین نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی دمشق و پیشرفت تحصیلی آن‌ها انجام داده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین پیشرفت تحصیلی و گرایش به یادگیری زبان انگلیسی وجود دارد.

در یادگیری زبان عربی در ایران، به دلیل چالش‌های فرهنگی مثل نگرش خانواده‌ها، اختلاف نظر بین متخصصان آموزش این زبان و متولیان سیاست‌گذاری آموزش در مدارس، مسائل سیاسی بین ایران و کشورهای عربی، بحث نگرش و انگیزه دانش‌آموزان چه بسا با چالش‌های بیش‌تری نسبت به سایر دروس مواجه است. از این رو، نگرش دانش‌آموزان به درس عربی و آموزش آن مسئله مهمی است که نقش مؤثری در برنامه‌ریزی، تألیف، و آموزش این زبان ایفا می‌کند. آذرشب و همایونی (۱۳۹۴) نیز بر اهمیت توجه به مسائل روان‌شناسی آموزش زبان و عناصر شناختی و فراشناختی از قبیل انگیزه، هیجان، و هوش تأکید می‌کنند و بر آن‌اند که در آموزش عربی در ایران اغلب این موارد مورد غفلت قرار گرفته است.

از این رو، نگارندگان در پژوهش حاضر می‌کوشند به بحث و بررسی نگرش دانش‌آموزان در خصوص یادگیری زبان عربی در مدارس بپردازند. در این بررسی نگرش دانش‌آموزان به آموزش زبان عربی براساس سه متغیر بررسی می‌شود: علاقه و احساس نیاز آن‌ها به یادگیری زبان عربی؛ نگرش آن‌ها به ضرورت درس عربی در بین سایر دروس؛ نگرش آن‌ها به محتوای کتاب درسی عربی. بر این اساس، سه سؤال اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. نگرش دانش‌آموزان سال دوازدهم متوسطه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی به یادگیری زبان عربی به چه صورت است؟
۲. آیا میان نگرش دانش‌آموزان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی تفاوت معناداری در یادگیری زبان عربی وجود دارد؟
۳. آیا میان نگرش دانش‌آموزان پسر و دختر رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی در یادگیری زبان عربی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

رسولی (۱۳۸۴) در مقاله «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران» به این نتیجه رسید که ضعف دانشجویان در زبان عربی را می‌توان در چهار محور دانشجویان، استادان، برنامه‌های درسی، و ابزارهای آموزشی تجزیه و تحلیل کرد. اختاری (۱۳۸۵) به بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران به درس عربی و عوامل مرتبط با آن پرداخته است. نتایج به دست آمده بیان‌گر نگرش منفی دانش‌آموزان به درس عربی است که بین دختران و پسران مشابه بوده است. پایه‌های تحصیلی و جنسیت نیز تأثیری در نوع نگرش دانش‌آموزان نداشته است. صدیق اورعی (۱۳۸۵) در مقاله «سنجش گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد به درس عربی و عوامل مؤثر بر آن» مهم‌ترین عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان به زبان عربی را در میزان جذابیت درس عربی، میزان اطلاع و موافقت دانش‌آموز با دلایل مفید بودن درس عربی، و میزان اطلاع و موافقت دانش‌آموز با دلایل بی‌فایده بودن درس عربی بررسی می‌کند. خاقانی و دیگران (۱۳۸۵) در مقاله خود به «بررسی علل کم‌علاقگی دانش‌آموزان دبیرستان به درس عربی از دیدگاه دبیران شهر شیراز» پرداخته‌اند و سه عامل ضعف محتوای کتب درسی، عدم تسلط حرفه‌ای دبیران، و ضعف دانش تخصصی آنان را به ترتیب از عوامل کم‌علاقگی دانش‌آموزان به درس عربی دانسته‌اند.

سلوی (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های دینی ولایت ترنجانوی مالزی به مهارت خواندن زبان عربی، به‌عنوان زبان خارجی، پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین دانش‌آموزان دختر و پسر و دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری رابطه معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش بیان‌کننده نگرش منفی دانش‌آموزان در این مدارس به درس مهارت خواندن به زبان عربی است. علاءالدین (Aladdin 2010) به بررسی نگرش فراگیران زبان عربی غیرمسلمان به یادگیری زبان عربی در مالزی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این زبان‌آموزان به یادگیری زبان‌های خارجی نگرش مثبت بالا و به یادگیری زبان عربی نگرش مثبت متوسطی دارند. هم‌چنین، انگیزه الزام دانشگاه بیش‌تر از انگیزه درونی عامل یادگیری زبان عربی در بین این زبان‌آموزان بوده است. حکیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۴) به بررسی میزان کارآمدی آموزش زبان عربی عمومی در مقطع متوسطه از نظر دبیران و دانش‌آموزان شهر کرمان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری زبان عربی و میزان آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌ها و راهبردهای یادگیری این زبان پایین‌تر از حد مطلوب است. نامداری (۱۳۹۸) نیز به بررسی عوامل بی‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستان در شهرستان گیلان‌غرب به درس عربی پرداخته و از مهم‌ترین عوامل آن کتاب درسی، تخصص معلمان، و مهارت‌های پایین تکنولوژی آن‌ها را سبب این کم‌توجهی دانسته است.

در زبان انگلیسی نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته است، از جمله گوملیکسیزا (Gömlüksiz 2010) که در پژوهش خود به بررسی نگرش دانشجویان به یادگیری زبان انگلیسی در دانشگاه فرات ترکیه پرداخته است. رودی علی‌آبادی و دیگران (۱۳۹۸) نگرش دانش‌آموزان شهر چابهار را از منظر متغیرهای یک‌زبانانه و دوزبانانه و جنسیت به یادگیری درس زبان انگلیسی بررسی کرده‌اند. ابوالفضل و صادقی (۱۳۹۶) نیز نگرش زبان‌آموزان انگلیسی به آموزش / یادگیری این زبان را با توجه به نقش رشته دانشگاهی، جنسیت، و سن بررسی کرده‌اند.

از پژوهش‌های انجام‌شده سه پژوهش اختری (۱۳۸۵)، حکیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۴)، و نامداری (۱۳۹۸) به این پژوهش نزدیک‌ترند. نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش اختری این است که در پژوهش اختری به بررسی نگرش نزد دانش‌آموزان تهرانی پرداخته شده است و پانزده سال از انجام‌دادن آن می‌گذرد، ولی در این پژوهش به بررسی نگرش دانش‌آموزان کرمانی، آن هم بعد از تغییرات اساسی صورت‌گرفته در آموزش و کتاب‌های

درسی عربی، پرداخته می‌شود. پژوهش حکیم‌زاده و دیگران هم، هرچند جامعه آن دانش‌آموزان کرمانی است، به بحث نگرش نپرداخته است، بلکه میزان کارآمدی آموزش زبان عربی از نگاه دبیران و دانش‌آموزان بررسی شده است. پژوهش نامداری نیز رویکرد متفاوتی به این پژوهش دارد.

۳. روش، ابزار، جامعه آماری، و روش نمونه‌گیری

این پژوهش با روش توصیفی - پیمایشی انجام شده است و پرسش‌نامه آن برگرفته از پرسش‌نامه خانم رباب تدینی (۱۳۸۵)، *مقایسه تأثیر برنامه درسی مدرسه محور و برنامه درسی مرسوم زبان انگلیسی بر پیشرفت تحصیلی و نگرش فراگیران بزرگسال زن سال سوم راهنمایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز است که روایی و پایایی آن تأیید شده است. در پژوهش تدینی، نگرش دانش‌آموزان به سه متغیر علاقه‌مندی و نیاز به یادگیری زبان انگلیسی، اهمیت درس انگلیسی در بین سایر دروس، و نگرش به مؤثر بودن محتوای کتاب درسی بررسی شده است که، با توجه به تشابه مبحث نگرش در یادگیری زبان‌های خارجی و هم‌چنین اشتراک این سه متغیر با هدف این پژوهش، که بررسی نگرش دانش‌آموزان به درس عربی است، این پرسش‌نامه مورد استفاده قرار گرفت. این پرسش‌نامه در اختیار سه استاد صاحب‌نظر در زمینه آموزش زبان عربی قرار گرفته و تأیید شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS، از پیش فرض آزمون پارامتری، آزمون تحلیل واریانس، و آزمون t استفاده شده است.

پرسش‌نامه از سه متغیر علاقه و نیاز، ضرورت زبان عربی به عنوان ماده درسی، و نگرش به محتوای آموزشی تشکیل شده است و دربردارنده بیست سؤال است. در این پرسش‌نامه، سؤال ۱ تا ۷ مربوط به متغیر علاقه و نیاز، سؤال ۸ تا ۱۳ مربوط به متغیر زبان عربی به عنوان ماده درسی، و سؤال ۱۴ تا ۲۰ مربوط به متغیر محتوای آموزشی است.

در این پژوهش، پژوهش‌گران از درجه‌بندی مقیاس پنج‌گانه لیکرت استفاده کرده‌اند که به این صورت است: ۱. خیلی زیاد؛ ۲. زیاد؛ ۳. متوسط؛ ۴. کم؛ ۵. خیلی کم.

جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان سال دوازدهم رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی شهر کرمان‌اند که ۳۳۷ نفر با روش نمونه‌گیری کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند. جدول ۱ فراوانی تعداد جامعه و نمونه هر رشته براساس تعداد جامعه آن رشته را با جنسیت آن‌ها نمایش می‌دهد:

جدول ۱. جامعه و نمونه پژوهش

رشته تحصیلی	جنسیت	جامعه آماری	تعداد نمونه
ادبیات و علوم انسانی	پسر	۲۷۷	۳۴
	دختر	۴۹۵	۶۰
علوم تجربی	پسر	۵۱۰	۶۲
	دختر	۷۹۸	۹۷
علوم ریاضی	پسر	۴۳۳	۵۴
	دختر	۲۳۸	۳۰
جمع کل	۲۷۵۱	۳۳۷	جمع کل

۴. یافته‌های پژوهش

آمار استنباطی: برای بررسی فرضیه‌ها، نخست پیش فرض آزمون پارامتری یعنی نرمال بودن داده‌ها در سطح معنی داری ۰/۰۵ سنجیده می‌شود:

جدول ۲. آزمون کولموگروف - اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش

متغیرهای مورد بررسی	p- مقدار (دودامنه)	آزمون Z کولموگروف - اسمیرنف
علاقه و نیاز به زبان عربی	۰/۰۶۷	۰/۱۱۱
درس عربی به عنوان ماده درسی	۰/۱۱۸	۰/۰۸۴
مؤثر بودن محتوای کتاب عربی	۰/۱۰۷	۰/۰۸۷

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون کولموگروف - اسمیرنف در جدول ۲، سطوح معنی داری در همه متغیرهای آزمون بیش تر از ۰/۰۵ است. در نتیجه، می‌توان پذیرفت که توزیع متغیرها نرمال است. بنابراین، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

۱,۴ فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد بین میانگین نمرات میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۲۴/۲۰)، در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی (۲۴/۸۹)، و در دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی (۲۷/۸۵) تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. هم‌چنین، بیش‌ترین نمره میانگین علاقه و نیاز به زبان عربی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی، علوم تجربی، و ادبیات و علوم انسانی است.

جدول ۳. آزمون تعقیبی دانت تی سه

مقدار p-	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	رشته دوم	رشته اول
۰,۷۹۱	۰,۸۲۴	-۰,۶۸۵	علوم تجربی	ادبیات و علوم انسانی
۰,۰۰۰	۰,۸۴۸	-۳,۶۴۳	ریاضی و فیزیک	ادبیات و علوم انسانی
۰,۷۷۷	۰,۷۷۷	-۲,۹۵۸	ریاضی و فیزیک	علوم تجربی

باتوجه به جدول ۳، در آزمون تعقیبی دانت تی سه بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰,۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > 0,05$)، ولی بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم تجربی، در سطح معنی‌داری ۰,۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0,05$). هم‌چنین، بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰,۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0,05$).

فرضیه دوم: بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد.

تحلیل داده‌های این بخش نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۱۸/۴۷)، در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی (۲۰/۵۲)، و در دانش‌آموزان رشته ریاضی و فیزیک (۱۹/۹۴) تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. هم‌چنین، بیش‌ترین نمره میانگین ضرورت درس عربی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم تجربی، دانش‌آموزان رشته ریاضی و فیزیک، و دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی است.

جدول ۴. آزمون تعقیبی دانت تی سه

مقدار p-	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	رشته دوم	رشته اول
۰,۰۰۰	۰,۴۷۳	-۲,۰۵۴	علوم تجربی	ادبیات و علوم انسانی
۰,۰۴۳	۰,۵۹۷	-۱,۴۷۲	ریاضی و فیزیک	ادبیات و علوم انسانی
۰,۶۱۷	۰,۵۳۰	۰,۵۸۲	ریاضی و فیزیک	علوم تجربی

باتوجه به جدول ۴، در آزمون تعقیبی دانت تی سه بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم تجربی، در سطح معنی‌داری ۰,۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > ۰,۰۵$). هم‌چنین، بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰,۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > ۰,۰۵$)، ولی بین میزان درس عربی به‌عنوان ماده درسی در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰,۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < ۰,۰۵$).

فرضیه سوم: بین میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی تفاوت معنادار وجود دارد.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد بین میانگین نمرات میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۲۴,۶۰)، در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی (۲۴,۷۰) و در دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی (۲۶,۶۳) تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. هم‌چنین، بیش‌ترین نمره میانگین مؤثر بودن محتوای کتاب عربی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی، علوم تجربی، و ادبیات و علوم انسانی است.

جدول ۵. آزمون تعقیبی دانت تی سه

مقدار p-	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	رشته دوم	رشته اول
۰,۹۹۹	۰,۷۹۲	-۰,۱۰۲	علوم تجربی	ادبیات و علوم انسانی
۰,۰۴۵	۰,۹۲۵	-۲,۰۳۵	ریاضی و فیزیک	ادبیات و علوم انسانی
۰,۰۶۰	۰,۸۲۵	-۱,۹۳۳	ریاضی و فیزیک	علوم تجربی

باتوجه به جدول ۵، در آزمون تعقیبی دانت تی سه بین میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > 0/05$)، ولی بین میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم تجربی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0/05$). هم‌چنین، بین میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0/05$).

فرضیه چهارم: بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۶. آماره‌های آزمون t گروه‌های مستقل (دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر)

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها				آزمون لون برای برابری واریانس‌ها			
اختلاف فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد		خطای انحراف استاندارد	اختلاف بین میانگین	t	مقدار p-		F هارتلی
حد پایین	حد بالا						
۱,۷۲۸	-۱,۰۰۷	۰,۶۹۵	۰,۳۶۱	۰,۵۱۹	۰,۵۰۷	۰,۴۴۲	فرض برابری واریانس‌ها
۱,۷۲۱	-۰,۹۹۹	۰,۶۹۱	۰,۳۶۱	۰,۵۲۲			فرض نابرابری واریانس‌ها

در این سؤال، p- مقدار محاسبه شده در آزمون لون برابر با ۰/۵۰۷ است که بیش‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، آزمون لون معنی‌دار نیست و فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. بنابراین، باید از آزمون t براساس واریانس‌های برابر استفاده شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر (۲۵/۶۳) و دانش‌آموزان دختر (۲۵/۲۷) تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض صفر رد نمی‌شود.

به عبارت دیگر، بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق

تأیید نمی‌شود. هم‌چنین، میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر به مقدار ۰/۳۶ از میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان دختر بیش‌تر است که این مقدار تفاوت بسیار ناچیز است و از نظر آماری معنی‌دار نیست.

فرضیه پنجم: بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۷. آماره‌های آزمون t گروه‌های مستقل (دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر)

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها				آزمون لون برای برابری واریانس‌ها			
اختلاف فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد		خطای انحراف استاندارد	اختلاف بین میانگین	t	مقدار p-		F هارتلی
حد بالا	حد پایین						
۰/۱۰۲	-۱/۵۳۴	۰/۴۱۶	-۰/۷۱۶	-۱/۷۲۳	۰/۴۴۴	۰/۵۸۶	فرض برابری واریانس‌ها
۰/۱۰۷	-۱/۵۴۰	۰/۴۱۸	-۰/۷۱۶	-۱/۷۱۲			فرض نابرابری واریانس‌ها

در این سؤال، p- مقدار محاسبه‌شده در آزمون لون برابر با ۰/۴۴۴ است که بیش‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، آزمون لون معنی‌دار نیست و فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. بنابراین، باید از آزمون t براساس واریانس‌های برابر استفاده شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات میزان درس عربی به‌عنوان ماده درسی در دانش‌آموزان پسر (۱۹/۴۱) و دانش‌آموزان دختر (۲۰/۱۲) تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض صفر رد نمی‌شود.

به‌عبارت‌دیگر، بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود. هم‌چنین، درس عربی به‌عنوان ماده درسی در دانش‌آموزان دختر به مقدار ۰/۷۱ از میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان پسر بیش‌تر است که این مقدار تفاوت بسیار ناچیز است و از نظر آماری معنی‌دار نیست.

فرضیه ششم: بین میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۸. آماره‌های آزمون t گروه‌های مستقل (دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر)

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها			آزمون لون برای برابری واریانس‌ها		F هارتلی	مقدار p-	t	اختلاف بین میانگین	خطای انحراف استاندارد	اختلاف فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	
حد بالا	حد پایین										
۱/۱۶۹	-۱/۴۷۵	۰/۶۷۲	-۰/۱۵۳	-۰/۲۲۷	۰/۱۴۳	۲/۱۵۳	فرض برابری واریانس‌ها				
۱/۱۵۱	-۱/۴۵۷	۰/۶۶۳	-۰/۱۵۳	-۰/۲۳۰			فرض نابرابری واریانس‌ها				

در این سؤال، p- مقدار محاسبه شده در آزمون لون برابر با ۰/۱۴۳ است که بیش‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، آزمون لون معنی دار نیست و فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته می‌شود. بنابراین، باید از آزمون t براساس واریانس‌های برابر استفاده شود.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان پسر (۲۵/۰۷) و دانش‌آموزان دختر (۲۵/۲۲) تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض صفر رد نمی‌شود.

به عبارت دیگر، بین میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان پسر و دختر، در سطح معنی داری ۰/۰۵، تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود. هم‌چنین، میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان دختر به مقدار ۰/۱۵ از میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان پسر بیش‌تر است که این مقدار تفاوت بسیار ناچیز است و از نظر آماری معنی دار نیست.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر در سه رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، و علوم ریاضی کلاس دوازدهم شهر کرمان به درس عربی بررسی شد. علاقه‌مندی و نیاز به یادگیری زبان عربی، اهمیت درس عربی در بین سایر دروس، و نگرش به مؤثر بودن محتوای کتاب درسی عربی سه متغیر اصلی بررسی نگرش در این پژوهش بودند. تفاوت نگرش رشته‌های مختلف و هم‌چنین تفاوت نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر به این سه متغیر بررسی شد.

علاقه و نیاز به یادگیری زبان عربی از نظر رشته‌های مختلف: نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان هر سه رشته در سطح زیر متوسط قرار دارد. بیش‌ترین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی (۲۷/۸۵)، علوم تجربی (۲۴/۸۹)، و ادبیات و علوم انسانی (۲۴/۲۰) است و بین میزان علاقه دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و تجربی با رشته ریاضی تفاوت معناداری وجود دارد.

ضرورت درس عربی از نظر رشته‌های مختلف: در این متغیر هم نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که درصد کمی از دانش‌آموزان معتقد به ضرورت درس عربی‌اند. ۲۰/۵۲ از دانش‌آموزان علوم تجربی، ۱۹/۹۴ از دانش‌آموزان رشته ریاضی، و ۱۸/۲۷ از دانش‌آموزان رشته ریاضی به ضرورت درس عربی اعتقاد دارند که در این میان بین آرای دانش‌آموزان علوم انسانی و تجربی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

مؤثر بودن محتوای کتاب عربی از نظر رشته‌های مختلف: در این متغیر نیز درصد پایینی از دانش‌آموزان معتقد بودند که محتوای کتاب عربی مؤثر و مفید است. بین میانگین نمرات میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۲۴/۶۰) و رشته علوم تجربی (۲۴/۷۰) با نمرات دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی (۲۶/۶۳) تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

هم‌چنین، نتایج پژوهش نشان داد که بین آرای دانش‌آموزان دختر و پسر در هیچ‌یک از متغیرهای موردبررسی تفاوت معنادار وجود ندارد.

نتایج این پژوهش حاکی از این است که بیش‌تر دانش‌آموزان در پایه دوازدهم سه رشته علوم انسانی، تجربی، و ریاضی نیازی به یادگیری زبان عربی و ضرورتی برای درس آن در بین سایر دروس نمی‌بینند. نتایج این پژوهش با پژوهش حکیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۴) که میزان انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری زبان عربی را پایین‌تر از حد مطلوب دانسته‌اند هم‌خوانی دارد. مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش اختری (۱۳۸۵) که به بررسی نگرش دانش‌آموزان به درس عربی در تهران پرداخته است نشان می‌دهد که، به‌رغم تغییرات رویکردی در کتاب‌های درسی در پانزده سال گذشته، هم‌چنان درصد کمی از دانش‌آموزان نگرش مثبتی به درس عربی دارند. نیاز به یادگیری یک درس و ضرورت آن در بین سایر دروس و هم‌چنین جذابیت محتوای کتاب درسی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در یادگیری آن درس است. صدیق‌اورعی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود، که به بررسی عوامل تأثیرگذار

در گرایش چهارصد دانش‌آموز مشهد به درس عربی پرداخته است، میزان آگاهی دانش‌آموزان از فایده درس عربی و میزان جذابیت این درس را از عوامل مهم تأثیرگذار در گرایش دانش‌آموزان به درس عربی دانسته است. نامداری (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود، که به بررسی عوامل کم‌علاقگی دانش‌آموزان مدارس گیلان غرب از نگاه دانش‌آموزان و معلمان پرداخته است، محتوای کتاب را از موارد تأثیرگذار در علل کم‌علاقگی دانش‌آموزان دانسته است.

از نظر نگارندگان، هرچند نگرش خانواده‌ها، جامعه، و مسائل سیاسی، همان‌طور که آذرشب و همایونی (۱۳۹۴) در بررسی نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی آموزش زبان عربی در ایران بر آن تأکید کرده‌اند، در نگرش دانش‌آموزان به یادگیری زبان عربی تأثیرگذار است، مسئله‌ای که چالش اصلی تألیف کتب عربی در مدارس است تفاوت بین سیاست‌های آموزش زبان عربی در مدارس و نگاه مؤلفان، مدرسان، و متخصصان آموزش زبان عربی است. از نظر سیاست‌های کلان آموزش عربی، هدف از آموزش این زبان در مدارس فهم متون دینی و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است. با وجود این، براساس تجربه نگارندگان در حوزه آموزش زبان عربی، بسیاری از متخصصان آموزش زبان عربی در ایران بر آن‌اند که آموزش عربی در مدارس باید مثل زبان انگلیسی با اهداف ارتباطی، یعنی تقویت مهارت‌های شنیدن و سخن گفتن، باشد. توجیه این نظر این است که آموزش ارتباطی زبان عربی سبب می‌شود که هم دانش‌آموزان بعد از صرف این همه ساعت کلاسی مهارت اولیه کاربرد این زبان را کسب می‌کنند هم در تغییر نگرش آنان در خصوص کاربردی بودن زبان عربی تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد رویکرد مؤلفان در کتاب‌های جدید در برخی پایه‌ها، مثل پایه دهم، نیز به این سمت گرایش داشته است؛ به صورتی که در این پایه به کتاب عربی مکالمه‌های روزمره برای آموزش مهارت سخن گفتن اضافه شده است.

هرچند توجه به بُعد ارتباطی زبان عربی، به‌ویژه مهارت مکالمه عربی، در تغییر نگاه دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود، در حال حاضر به‌علت تأکید سیاست‌گذاران آموزشی بر آموزش عربی با اهداف دینی حرکت به این سمت در کتاب‌های عربی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هر تلاش و رویکرد آموزشی خارج از این محدوده اهداف چندانی محقق نخواهد کرد. توجه به بُعد ارتباطی زمانی کارساز خواهد بود که همه عناصر برنامه درسی از سیاست‌ها، فلسفه آموزشی، نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، مؤلفان، مدرسان، متولیان، و متخصصان آموزش یکی باشد و در مرحله اجرا نیز شرایط مدارس و مدرسان برای اجرای آن فراهم باشد، در غیر این صورت با صرف اضافه کردن چند مکالمه به کتاب‌های درسی

برخی پایه‌ها، مثل پایه دهم، تغییر ملموسی اتفاق نخواهد افتاد. از این رو، پیش‌نهاد نگارندگان این است که در شرایط فعلی بهتر است تأکید بر مهارت خواندن باشد، نه مکالمه. طبیعتاً، رویکرد فعلی کتاب‌های عربی هم متن‌محوری است، اما، به نظر نگارندگان، آموزش مهارت خواندن یا فهم متن در کتاب‌های عربی فاقد مبانی اولیه آموزش این مهارت است. نوع متون، میزان دشواری آن‌ها، نوع واژگان، ساختارهای زبانی، افکار و مضامین مطرح‌شده، و نوع تمارین و فعالیت‌ها ایرادات اساسی دارد و باید بازبینی شود.

کتاب‌نامه

- آذرشب، محمدعلی و سعدالله همایونی (۱۳۹۴)، «واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های / برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران)»، *علم زبان*، س ۳، ش ۵، ص ۸۹-۱۱۶.
- ابوالفضلی، زینب و کریم صادقی (۱۳۹۶)، «نگرش زبان‌آموزان زبان انگلیسی نسبت به آموزش / یادگیری زبان انگلیسی: نقش رشته دانشگاهی، جنسیت، و سن»، *پژوهش‌های نوین در مطالعات زبان انگلیسی*، دوره ۵، ش ۱، ص ۱-۲۶.
- اختری، طاهره (۱۳۸۵)، «عربی و عوامل مرتبط با آن»، *دوماه‌نامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد*، س ۱۳، ش ۱۸، ص ۴۵-۵۶.
- تدینی، رباب (۱۳۸۵)، *مقایسه تأثیر برنامه درسی مدرسه‌محور و برنامه درسی مرسوم زبان انگلیسی بر پیش‌رفت تحصیلی و نگرش فراگیران بزرگ‌سال زن سال سوم راه‌نمایی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد آموزش زبان انگلیسی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- حکیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی میزان کارآمدی آموزش زبان عربی عمومی در مقطع متوسطه از نظر دبیران و دانش‌آموزان شهر کرمان»، *مجله جستارهای زبانی*، دوره ۶، ش ۲، پیاپی ۲۳، ص ۷۷-۱۰۶.
- خاقانی، محمد و دیگران (۱۳۸۵)، «بررسی علل کم‌علاقگی دانش‌آموزان دبیرستان به درس عربی از دیدگاه دبیران شهر شیراز»، *مجله الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية وآدابها*، دوره ۲، ش ۵، ص ۸۹-۱۰۷.
- رسولی، حجت (۱۳۸۴)، «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران (مبانی تعریف گرایش‌ها)»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، ش ۴۷-۴۸، ص ۴۳-۵۸.
- رودی علی‌آبادی، ثریا و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی نگرش نسبت به یادگیری درس زبان انگلیسی دانش‌آموزان شهر چابهار: نقش یک‌زبانانه، دوزبانانه، و جنسیت»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، دوره ۹، ش ۲، ص ۴۷۹-۴۹۲.

بررسی نگرش دانش‌آموزان شهر کرمان ... (دانش محمدی رکعتی و دیگران) ۱۷۱

الزبون، محمد سليم (۲۰۰۹)، «اتجاهات طلبة الجامعات الأردنية نحو مادة التربية الوطنية وانعكاس ذلك على درجة تمثلهم للعديد من مفاهيمها»، *العلوم التربوية*، المجلد ۳۶، العدد ۱، ص ۱۱۷-۱۲۳.

سلوى، سيني (۲۰۰۹)، *الاتجاهات نحو القراءة بالعربية في المدارس الثانوية الدينية بولاية ترنجانو، بحث تكميلي مقدّم لنيل درجة الماجستير في العلوم الإنسانية (تعليم اللغة العربية بوصفها لغة ثانية)*، ماليزيا: كلية معارف الوحي والعلوم الإنسانية، الجامعة الإسلامية العالمية.

صديق اورعي، غلامرضا (۱۳۸۵)، «سنجش گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد به درس عربی و عوامل مؤثر بر آن»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ص ۵۷-۸۱.

معروف، سعاد و یونس محمود ناصر (۲۰۱۰)، «اتجاهات الطلبة نحو اللغة الإنكليزية وعلاقتها بالتحصيل لدى الجنسين في ضوء أنماط الإدارة الصفية السائدة (دراسة مياًنطة على عينة من طلبة الصف الأول الثانوي في ثانويات مدينة دمشق الرسمية والخاصة)»، *مجلة جامعة دمشق*، المجلد ۲۶، العدد (۱+۲).

نامداری، ابراهيم (۲۰۱۹)، «أسباب عدم اهتمام طلبة المدارس الثانوية بدروس اللغة العربية من وجهة نظر طالبات ومعلمي مدينة جيلان غرب»، *مجلة دراسات في تعليم اللغة العربية وتعلمها*، المجلد ۳، العدد ۲، الرقم للمسلسل للعدد ۶، ص ۳۱-۴۸.

Aladdin, A. (2010), "Nom- Muslim Malaysian Learners of Arabic (NMMLAs): An Investigation of Their Attitudes and Motivation towards Learning Arabic as a Foreign Language in Multiethnic and Multicultural Malaysia", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, vol. 9.

Gomleksiz, M. N. (2010), "An Evaluation of Student's Attitudes toward English Language Learning in Terms of Several Variables", *Procedia Scial and Behavioral Sciences*, vol. 9, pp. 1805-1811.

